

## آثار افزایش قیمت کالاهای اساسی بر سطوح قیمت‌ها با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۴/۷/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۳/۱۲/۱۵

زورار پرمه<sup>۲</sup>

### چکیده

یارانه‌ها یکی از سیاست‌های حمایتی دولت از بخش‌های اجتماعی (خانوارها) و اقتصادی (فعالیت‌های تولید) می‌باشند. در طرف مصرف‌کننده هدف اصلی این پرداخت‌ها افزایش رفاه خانوارها از طریق افزایش دسترسی به کالاها و خدمات است و در طرف تولیدکننده یارانه‌ها با هدف تخصیص بهینه منابع و کاهش هزینه‌های تولید پرداخت می‌شوند. ولی پرداخت یارانه با هر هدفی باشد دلیل اخلاقی در نظام قیمت‌ها موجب انحراف تولید و سرمایه‌گذاری می‌گردد. از سوی دیگر بسیاری از اقتصاددانان پرداخت عام یارانه را برای افزایش رفاه خانوارهای فقیر بسیار پرهزینه می‌دانند. این امر موجب شده در بسیاری از کشورها پرداخت یارانه‌های مصرفی به سمت سایر کمک‌های اجتماعی سوق داده شود و بعلاوه ضمن کاهش یارانه‌ها به سمت هدفمندی آنها نیز حرکت نمایند. اما چنانکه می‌دانیم کاهش یارانه‌ها و بویژه یارانه‌های غذایی موجب افزایش قیمت‌ها و در نتیجه افزایش تورم در اقتصاد می‌گردند. با این پیش زمینه این مطالعه بدنبال پاسخگویی به این سوال است که افزایش قیمت کالاهای اساسی به چه میزان قیمت‌ها را افزایش خواهد داد؟ نتایج این مطالعه با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی قیمتی نشان می‌دهد که اگر قیمت‌های سه کالای یارانه‌ای آرد (شامل نان و سایر فرآورده‌های آن)، روغن و قند و شکر به میزان ۵۰ درصد افزایش یابند باعث افزایش تورم موجود به میزان ۱۰ درصد خواهند شد. در این بین تاثیر افزایش قیمت آرد و نان بسیار قویتر بوده و افزایش قیمت آنها به میزان ۵۰ درصد، بیش از ۵ درصد تورم ایجاد می‌کند.

کلیدواژه‌ها: کالاهای اساسی، قیمت، تورم، شاخص هزینه زندگی، یارانه‌ها، ماتریس حسابداری اجتماعی

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «آثار سیاست‌های اقتصادی بر رفاه خانوارها: مطالعه موردی کاهش یارانه

حامل‌های انرژی و کالاهای» می‌باشد که در مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی انجام شده است.

۲. پژوهشگر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

## ۱. مقدمه

پرداخت یارانه در ایران به اوایل قرن حاضر بر می‌گردد؛ اما پرداخت یارانه در شکل کنونی از اوایل دهه ۵۰ آغاز شد که دولت با اتکا به درآمدهای سرشار نفتی و به پیروی از نظام رفاه اجتماعی کشورهای توسعه یافته به عموم مردم یارانه پرداخت می‌کرد. پرداخت یارانه از ۷/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۲ به ۱۱۷/۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۴ رسید. این رقم تا سال ۱۳۶۷ با نوساناتی رشد چندانی نداشت. با شروع برنامه‌های پنج ساله اول، دوم و سوم توسعه، اعطای یارانه‌ها به شدت ترقی کرد و از ۱۶۲ میلیارد ریال در آغاز برنامه اول به ۲۳۰۳۵ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۸۳ رسید. چنانکه ملاحظه می‌شود از سال ۱۳۶۸ روند پرداخت یارانه از رشد چشمگیری برخوردار بوده است؛ اما بررسی میزان یارانه‌ها به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱ نشان می‌دهد که روند یارانه‌ها در اوایل دهه ۱۳۵۰ و به دلیل شوک نفتی و افزایش درآمدهای حاصل از آن به شدت افزایش یافت. بعد از پیروزی انقلاب روند افزایش یارانه‌ها متوقف شد. از سال ۱۳۶۸ و شروع برنامه اول توسعه، رقم واقعی پرداخت یارانه‌ها افزایش یافت و در سال ۱۳۷۳ به بیشترین مقدار خود در بعد و قبل از انقلاب رسید و بعد از این سال، روند یارانه‌ها کاهش نشان می‌دهند. بنابراین در سالهای اخیر هر چند یارانه‌های پرداختی دولت به قیمت جاری افزایش پیدا کرده‌اند؛ اما رقم واقعی یارانه‌ها نسبت به سال ۱۳۷۳ و حتی سال ۱۳۵۴ کاهش یافته است. از سوی دیگر آنچه دارای اهمیت است هدفمند نبودن این پرداختها و آشکار نبودن میزان کارایی آنها در تحقق اهداف عدالت اجتماعی است. مطالعه بانک جهانی نشان می‌دهد که در ایران سیستم یارانه‌ای به گونه‌ای است که ثروتمندان بیشتر از یارانه‌ها برخوردار می‌شوند.<sup>۱</sup> زیرا؛ اول اینکه، گروه‌های بالایی درآمدی نسبت به گروه‌های پایین ۳۰ درصد بیشتر نان (به عنوان مهمترین کالای یارانه‌ای) مصرف می‌کنند. دوم اینکه، فقرا از کالاهای کوپنی کمتری استفاده می‌کنند و سوم اینکه، بیشتر کالاهای یارانه‌ای کوپنی در ناحیه شهری توزیع می‌شوند، به طوری که هزینه سرانه خانوارهای شهری دو برابر خانوارهای روستایی است. افزایش یارانه‌ها و فشار هزینه‌ای آن بر بودجه، دولت‌ها را مجبور به کاهش یارانه‌ها و توجه به هدفمندی آن کرده است به طوری که بیشتر کشورهای در حال توسعه از جمله ایران اصلاح یارانه‌ها را در پیش گرفته است و به دنبال منطقی کردن قیمت‌ها می‌باشند ولی کاهش آنها به دلیل بهره‌مندی تمام اقشار جامعه از این یارانه‌ها دارای آثار گسترده اقتصادی و اجتماعی است. این امر باعث شده است که افزایش قیمت‌ها به کندي انجام شود. به ویژه دولت ایران در سال ۱۳۸۲ مجبور شد از اهداف برنامه چشم‌پوشی کند و قیمت بیشتر کالاها و خدمات را به سطح سال ۱۳۸۱ برگرداند؛ اما دولت ناگزیر است برای جلوگیری از فشار بیشتر یارانه‌ها، ضمن اصلاح قیمت‌ها، هدفمندی آنها را نیز در دستور کار قرار دهد. هدف این مقاله بررسی اثرات کاهش یارانه کالاهای اساسی بر سطح عمومی قیمت‌ها می‌باشد که نشان دهد تعدیل قیمت‌ها باعث چه اثرات تورمی در اقتصاد بوجود می‌آورد.

## ۲. مروری بر مطالعات انجام شده

درباره تأثیر افزایش قیمت کالاها بر نرخ تورم، مطالعات فراوانی انجام شده است؛ اما مهم‌ترین ویژگی این مطالعات استفاده از الگوهای اقتصادسنجی می‌باشد و با الگوهای تعادل عمومی و به ویژه ماتریس حسابداری اجتماعی مطالعات کمتری انجام شده است.

مک دونالد<sup>۱</sup> و تاونسند<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) با تهیه ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM) کشور ۳ کشور آفریقای جنوبی، تغییر در سیاست‌های کشاورزی بر توزیع درآمدها را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان دادند افزایش تقاضای نهایی محصولات کشاورزی و کاهش حمایت قیمتی، منافع بیشتری برای خانوارهای فقیر به همراه دارد؛ هر چند این منافع اندک می‌باشند. ۶ درصد کاهش حمایت قیمتی محصولات کشاورزی موجب کاهش قیمت محصولات کشاورزی به میزان ۷ درصد می‌شود؛ اما از آنجا که این کاهش فقط در بخش کشاورزی متمرکز می‌باشد بنابراین کاهش در قیمت‌های حمایتی، اثر محدودی بر ساختار قیمت‌ها در بخش‌های غیر غذایی دارد. در ایران نیز بانویی و همکاران (۱۳۸۱) با استفاده از ماتریس حسابداری، آثار تورمی یکسان‌سازی نرخ ارز را در پنج سناریو (نرخ ارز ۷۷۰۰ ریال و ۸۴۷۰ ریال، ۹۱۰۰ ریال و ۱۰۰۰۰ ریال) بر شاخص قیمت تولید، عوامل تولید و شاخص هزینه زندگی خانوارها بررسی کرده‌اند. بر اساس سناریوی اول ۶ درصد بر نرخ تورم جامعه افزوده می‌شود و میزان تورم در دیگر سناریوها به ترتیب ۷/۶، ۱۱/۵ و ۱۳/۳ درصد می‌باشد.

لارکی<sup>۴</sup> (۱۹۸۶) در مراکش آثار افزایش قیمت کالاهای اساسی را بر تغذیه، رفاه و بودجه دولت بررسی کرد. نتایج نشان داد که با توجه به شکاف بالای قیمت یارانه‌ای و بازاری گندم، روغن نباتی و شکر، افزایش قیمت آنها تأثیر بزرگی بر پس‌اندازهای دولت و کاهش مصرف خانوارها دارند.

مطالعه طباطبایی زواره (۱۳۷۰) نشان می‌دهد که با تثبیت قیمت مواد غذایی از یک طرف نیاز به واردات افزایش می‌یابد و از سوی دیگر برای آنکه تولید داخلی کاهش نیابد، پرداخت یارانه‌های تولیدی افزایش پیدا می‌کنند. در شرایط بحران ارزی به دلیل کاهش واردات، قیمت مواد غذایی افزایش خواهد یافت. در این صورت اگر قیمت‌های تثبیتی برای مصرف‌کنندگان حفظ شوند به دلیل افزایش فاصله بین قیمت‌های تثبیتی و بازار، بار مالی پرداخت یارانه افزایش خواهد یافت. اگر در این شرایط قیمت‌های تثبیتی به یکباره حذف شوند، سطح مصرف خانوارها در گروه‌های کم‌درآمد به طور شدیدی کاهش می‌یابد به طوری که ناچار خواهند بود قسمت بیشتر درآمد خود را صرف تهیه این کالاها کنند و در نتیجه مصرف دیگر کالاها کاهش پیدا می‌کند.

1. McDonald
2. Townsend
3. Social Accounting Matrix (SAM)
4. Laraki, Karim.

حسن پور (۱۳۷۸) به بررسی آثار رفاهی سیاست غذای ارزان-با تأکید بر نان ارزان- و کارایی آن پرداخته است. نتایج نشان داد، سیاست غذای ارزان، هزینه‌های اجتماعی بالایی به وجود آورده و کارایی اندکی داشته است. بنابراین، دست اندرکاران باید هر چه سریعتر برای جلوگیری از اتلاف منابع مالی کشور در این سیاست تجدید نظر کنند و تا زمانی که وزن سیاسی مصرف‌کنندگان در تابع رجحان سیاسی بالاتر از وزن تولیدکنندگان و مالیات دهندگان باشد، همواره نسبت بهینه قیمتی تولیدی به قیمت وارداتی، کوچکتر از یک خواهد بود.

### ۳. روش شناسی پژوهش

با توجه به اینکه الگوهای تعادل جزئی فقط به بررسی یک بازار یا یک بخش مشخص در اقتصاد می‌پردازند و از آن جا که افزایش قیمت کالاهای اساسی تمام بخش‌های اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، استفاده از این الگوها منطقی به نظر نمی‌رسد. از این رو امروزه برای بررسی آثار سیاست‌های مختلف اقتصادی در سطوح کلان از الگوهای تعادل عمومی استفاده می‌شود. این الگوها در سه شکل کلی داده - ستانده، ماتریس حسابداری اجتماعی و الگوهای تعادل عمومی قابل محاسبه بیان می‌شوند. در این مقاله از ماتریس حسابداری اجتماعی قیمتی برای بررسی آثار توری افزایش قیمت کالاهای اساسی استفاده می‌شود.

ماتریس حسابداری اجتماعی، ماتریس مربعی است که ردیف‌های آن بیانگر درآمد هر یک از حساب‌ها و ستون‌ها، هزینه هر حساب را نشان می‌دهند؛ بنابراین برای هر حساب، یک ردیف درآمد و یک ستون هزینه متناظر وجود دارد که باید مجموع آنها با هم برابر باشد. به بیان دیگر، یک حساب آنچه را به دست می‌آورد، هزینه می‌کند که بیانگر تعادل اقتصادی می‌باشد. در جدول ۱ نمای پایه این مدل آمده است. طبق این جدول در SAM پایه دو مجموعه حساب درونزا و برونزا وجود دارند. حساب‌های درونزا به فعالیت‌های تولید عوامل تولید و نهادهای اقتصادی و اجتماعی تفکیک شده و حساب‌های برونزا شامل دولت، حساب تشکیل سرمایه و بقیه دنیای خارج می‌باشند<sup>۱</sup>. چنانکه از این مدل بر می‌آید و سیستم اقتصادی نیز نشان می‌دهد، مجموعه اقتصادی و اجتماعی یک کشور در حال مبادلات درآمدی و هزینه‌ای هستند. برای مثال هزینه فعالیت‌های تولید شامل هزینه خرید مواد اولیه و کالاهای واسطه پرداخت مالیات‌های غیرمستقیم و بقیه آن ارزش افزوده‌ای است که بین عوامل تولید توزیع می‌شود. دریافتی فعالیت‌های تولید از فروش کالا و خدمات به خانوارها، فروش به دنیای خارج و دولت به دست می‌آید. درآمد عوامل تولید شامل فروش خدمات آنها به فعالیت‌های تولید و دریافت دستمزد، اجاره و خالص دریافتی عوامل تولید از خارج یا از دیگر نواحی می‌باشد. به طوری که این درآمدها به خانوارها به شکل درآمد نیروی کار و به کمپانی‌ها به شکل سود تعلق می‌گیرد.

1. Thorbecke 2000, Pyatt and Round 1977, 1979.

درآمد خانوارها از طریق عوامل تولید (دستمزدها و سایر درآمد نیروی کار)، اجاره نرخ سود و به علاوه پرداخت های انتقالی دولت و بقیه دنیای خارج (وجه ارسالی از خارج) به دست می آید. هزینه خانوارها شامل هزینه مصرف کالاها و خدمات تولید داخل، کالاهای وارداتی، پرداخت مالیات و بقیه به عنوان پس انداز - که در حساب سرمایه آورده می شود - می باشد. هزینه دولت شامل خرید کالا و خدمات فعالیت های تولید، پرداخت های انتقالی به خانوارها، شرکت ها و بقیه به صورت پس انداز در حساب سرمایه جمع می شود. از طرف دیگر درآمد دولت شامل مالیات های گوناگون از صنایع مختلف و خانوارها و کمک های خارجی می باشد.

جدول ۱. مدل پایه ماتریس حسابداری اجتماعی

مخارج					دریافتی	حساب های درونزا	حساب های برونزا
متغیرهای برونزا	حساب های درونزا			فعالیت های تولیدی			
	مجموع حساب های دیگر	خانوارها	عوامل تولید				
۵	۴	۳	۲	۱			
Y <sub>1</sub>	X <sub>1</sub>	T <sub>13</sub>	۰	T <sub>11</sub>	۱	فعالیت های تولیدی	حساب های درونزا
Y <sub>2</sub>	X <sub>2</sub>	۰	۰	T <sub>21</sub>	۲	عوامل تولید	حساب های درونزا
Y <sub>3</sub>	X <sub>3</sub>	۰	T <sub>32</sub>	۰	۳	خانوارها	حساب های درونزا
Y <sub>x</sub>	T	I <sub>3</sub>	I <sub>2</sub>	I <sub>1</sub>	۴	مجموع حساب های دیگر	حساب های برونزا
	Y <sub>x</sub>	Y <sub>3</sub> '	Y <sub>2</sub> '	Y <sub>1</sub> '	۵	جمع	

برگرفته از: اریک توربک ۲۰۰۰.

درآمد حساب تشکیل سرمایه شامل مجموع پس انداز خانوارها، دولت، کمپانی ها و پس انداز های خارجی است که کل آنها به سرمایه گذاری اختصاص می یابد. و انتقالات میان ساکنین کشور و کشورهای خارج در حساب بقیه دنیای خارج آمده است. این انتقالات در طرف درآمد، شامل هزینه های مصرفی خانوارها بابت ورود کالاهای نهایی و به علاوه واردات کالاهای سرمایه ای و مواد اولیه می باشد. درآمد کشور از بقیه کشورهای دنیا بابت صادرات و درآمدهای عوامل تولید است. تفاوت میان کل دریافتی های خارج و واردات به عنوان خالص دریافتی سرمایه از خارج یا بقیه کشورها و پس انداز های خارجی تعریف می شود. قدم اول برای کمی کردن ماتریس حسابداری اجتماعی با تعیین حساب های درونزا و برونزای مدل انجام می شود. در جدول ۱ فرض کنید که حساب ۴ متغیر برونزا و بقیه حسابها (۲، ۱ و ۳) حساب های درونزا باشند.  $A_{ij}$  ماتریسی است که از تقسیم هر حساب بر کل هزینه ( $Y_i$ ) به دست می آید. به علاوه  $Y_i$  درآمد هر یک از گروه های ۱، ۲ و ۳ را نشان

دهد بنابراین با توجه به چارچوب کلی مدل (جدول ۳)، درآمد حساب ۳ به شکل زیر تعیین

می‌شود:

$$Y_3 = A_{33}Y_3 + A_{32}\bar{Y}_2 + A_{34}\bar{Y}_4 \quad (1)$$

$$= (I - A_{33})^{-1}(A_{32}\bar{Y}_2 + A_{34}\bar{Y}_4) = M_{11}x$$

در رابطه ۱  $M_{11} = (I - A_{33})^{-1}$  معکوس ماتریس لئونتیف و  $x$  بردار درآمد متغیرهای برون‌زا است. با دیفرانسیل گیری از معادله ۱ تغییر در حساب های درون‌زا محاسبه می‌شود

$$\Delta Y_3 = M_{11}\Delta x \quad (2)$$

به دلیل وجود مازاد تولید و عدم اشتغال کامل در مدل درآمدی، تقاضا به هر میزان باشد باید عرضه پاسخگویی آن باشد. بنابراین در این حالت، قیمت ها ثابت می‌باشند و به تغییرات هزینه حساس نیستند؛ اما اگر قیمت ها به افزایش یا کاهش هزینه حساس باشند در این حالت استفاده از تحلیل درآمدی منطقی به نظر نمی‌رسد و لازم است تغییرات هزینه بر قیمت ها بررسی و مطالعه شوند. اگر  $p$  شاخص قیمت فعالیت گروه  $i$  باشد با توجه به ستون یک جدول ۱ رابطه زیر به دست می‌آید<sup>۱</sup>

$$P_1 = P_1A_{11} + P_2A_{21} + L_1(\dots) \quad (3)$$

$$P_1 = (P_2A_{21} + L_1)(I - A_{11})^{-1}(\dots) \quad (4)$$

مجموعه روابطی که شاخص قیمت را برای حساب های درون‌زا مشخص می‌کند عبارتند

از:

$$P_1 = P_1A_{11} + P_2A_{21} + L \quad P_2 = P_3A_{32} + L_2 \quad (5)$$

$$P_3 = P_1A_{13} + L_3$$

از روابط بالا می‌توان نتیجه گرفت که قیمت های حساب های درون‌زا در SAM به یکدیگر و به سطح متغیرهای برون‌زای مدل مربوط می‌باشند؛ زیرا برای محاسبه قیمت ها در سطح بخش‌های مختلف باید تمام روابط بالا به طور هم‌زمان بررسی شوند. روابط بالا را می‌توان به شکل خلاصه شده ماتریسی زیر نمایش داد.

$$P = PA_n + L \quad (6)$$

$$P - PA_n = L \quad (7)$$

$$P(I - A_n) = L \quad (8)$$

$$P = L(I - A_n)^{-1} \quad (9)$$

$$P = LM \quad (10)$$

در رابطه ۹ و ۱۰،  $P$  بردار ردیفی قیمت برای حساب های درون‌زای مدل،  $A_n$  ماتریس میل متوسط به مصرف،  $L$  بردار ردیفی متغیرهای برون‌زای مدل و  $M$  ماتریس ضرایب

۱. از مقاله Roland-Holest, D.W and F.Sancho استفاده شده است.

فزاینده می‌باشد. شایان ذکر است که با توجه به تقسیم‌بندی در نظر گرفته شده (از نظر درونزا و برونزا بودن حساب‌های موجود) که مشابه تقسیم‌بندی به کار رفته در به دست آوردن روابط درآمدی در SAM مبتنی بر مقدار بود،  $M$  در دو مدل متفاوت می‌باشد و با توجه به اینکه عناصر روی ردیف یا روی ستون ماتریس یاد شده بحث می‌شوند، تعبیر متفاوتی از آن به دست خواهد آمد. برای جلوگیری از بروز اشتباه  $M$  ماتریس ضرایب فزاینده استاندارد و  $M'$  به عنوان ماتریس ضرایب فزاینده در مدل مبتنی بر قیمت تعریف می‌شود.

#### ۴. ساختار ماتریس حسابداری اجتماعی ایران در سال ۱۳۷۰

ماتریس حسابداری اجتماعی ایران- با توجه به توضیحاتی که ارائه شد- با ابعاد  $۵۶ \times ۵۶$  تدوین شده است. فعالیت‌های تولیدی و خدماتی شامل ۳۷ زیربخش می‌باشند. بخش ارزش افزوده شامل حساب کار، سرمایه و زمین<sup>۱</sup> است. نهادهای اجتماعی و اقتصادی در این ماتریس عبارتند از: نیروی کار، صاحبان سرمایه<sup>۲</sup>، مالکان زمین<sup>۳</sup>، خانوارها و دولت. خانوارها ابتدا به دو گروه شهری و روستایی تقسیم می‌شوند و سپس با استفاده از اطلاعات سالنامه آماری مرکز آمار ایران، هر یک از خانوارها بر اساس دهک‌های درآمدی در سه گروه قرار گرفتند و در کل شش گروه خانوار به شکل مجزا در ساختار SAM در نظر گرفته می‌شوند چهار دهک اول درآمدی ۴۰٪ پایین، چهار دهک دوم درآمدی ۴۰٪ میانه و ۲ دهک آخر درآمدی ۲۰٪ بالای درآمدی را برای هر یک از گروه‌های شهری و روستایی تشکیل می‌دهند. دولت نیز به عنوان یک نهاد اقتصادی - اجتماعی در SAM ایران منظور شده است. حساب تشکیل سرمایه و بقیه دنیای خارج آخرین بخش‌های SAM ایران را تشکیل می‌دهند. با توجه به توضیحاتی که در مورد ساختار SAM ارائه شد در این قسمت اطلاعات و آماری که در ساختار آن استفاده شده است به تفکیک توضیح داده خواهند شد.

**۱. جریان دریافت‌ها و پرداخت‌ها میان فعالیت‌های تولیدی: همان گونه که بیان شد در تدوین SAM، جدول داده - ستانده ۷۸ بخشی سال ۱۳۷۰ به ۳۷ بخش تبدیل شده است. نحوه کار به این شکل بوده که با توجه به اهداف تحقیق برخی از بخش‌های جدول سال ۱۳۷۰ در قالب یک بخش آمده و بعضی از بخش‌ها از جمله نان، آرد و محصولات آن از زیر بخش دیگر صنایع غذایی تفکیک شده است.<sup>۴</sup>**

**۲. ارزش افزوده: ارزش افزوده، تفاضل هزینه کالاهای واسطه از ارزش نهایی کالاها و خدمات است که به عوامل تولید یعنی کار، سرمایه و زمین تعلق می‌گیرد. تقسیم‌بندی ارزش**

۱. شایان ذکر است از آنجا که یارانه‌ها و مالیات‌ها در جدول داده- ستانده در قسمت ارزش افزوده قرار دارند، این حساب در SAM نیز در این قسمت قرار گرفته اند.

#### 2. Enterprises.

#### 3. Proprietors.

۱. همانطوری که اشاره شد در جدول داده - ستانده سال ۱۳۷۰ بخش مستقلی برای آرد و نان وجود نداشته، بلکه این کالاها در قسمت سایر صنایع غذایی آمده است. بنابراین برای ایجاد این بخش از نسبت‌های جدول داده- ستانده سال ۱۳۶۵ استفاده شده و از زیربخش سایر صنایع غذایی، زیربخش آرد، نان و سایر محصولات آن تفکیک شده است.

افزوده در SAM بر اساس عوامل تولید به کار رفته در بخش های تولیدی و خدماتی می باشد به طوری که به جز بخش کشاورزی که زمین به عنوان نهاده تولید در نظر گرفته می شود در دیگر بخش های تولیدی، کار و سرمایه به عنوان عوامل تولید منظور شده اند.

کار: برای به دست آوردن ارقام مربوط به این بخش ابتدا رقم مربوط به جبران خدمات کارکنان در جدول ۳۷ بخشی محاسبه شد و در مرحله بعد بخشی از درآمد سرمایه که بیانگر سود اقتصادی می باشد و به افراد پرداخت می شود به این رقم اضافه شد.

سرمایه: مازاد عملیاتی به جز در بخش کشاورزی در سایر بخش ها، معادل پرداختی فعالیت های تولیدی به نهاده سرمایه منظور شد که ارقام آن به طور مستقیم از جدول داده - ستانده به دست می آید.

زمین: با توجه به اینکه فقط بخش کشاورزی از نهاده زمین استفاده می کند، بنابراین فقط برای تعدادی از زیربخش های این بخش ارقامی با عنوان پرداخت بابت استفاده از نهاده زمین در مدل وجود دارد. برای محاسبه پرداختی به نهاده زمین، آن دسته از فعالیت های کشاورزی که از زمین به عنوان نهاده استفاده می کنند، مشخص کرده (محصولات باغی و زراعی) و میزان متوسط پرداختی به زمین و سرمایه را در آنها به دست آورده (سهم سرمایه ۲۲/۷۹ درصد و سهم زمین ۷۷/۲۱ درصد) و در نهایت این نسبت را به مازاد عملیاتی فعالیت های یاد شده اعمال و سهم زمین از مازاد عملیاتی استخراج شده و در محل مربوطه قرار گرفته است.

مالیات غیرمستقیم: در واقع بخشی را از ارزش افزوده تولیدات که به دولت پرداخت می شود در برمی گیرد. ارقام مربوط به میزان مالیات غیرمستقیم از جدول داده - ستانده ۳۷ بخشی گرفته شده است.

یارانه های تولید: ارقام مربوط به یارانه نیز از جدول داده - ستانده به دست آمده است.

### ۳. نهادهای اجتماعی - اقتصادی

نیروی کار<sup>۱</sup>: دریافتی این حساب از رقم سهم کار از ارزش افزوده به دست می آید.

صاحبان سرمایه<sup>۲</sup>: دریافتی این حساب، سهم نهاده سرمایه از ارزش افزوده می باشد.

زمین داران<sup>۳</sup>: دریافتی این حساب، سهم نهاده زمین از ارزش افزوده است.

خانوارها: خانوارها از جمله نهادهای اقتصادی - اجتماعی هستند که در تدوین SAM حاضر به شش گروه تقسیم شده اند. خانوارها دارای درآمدهایی هستند که از منابع مختلف تأمین می شود همچنین پرداخت هایی برای استفاده از کالاها و خدمات دارند. در ادامه نحوه درآمد به دست آمده این گروه ها و نیز تخصیص آن بر روی کالاها و خدمات شرح داده می شود.

1. Labor.

2. Enterprises.

3. Proprietors.



توزیع درآمد نیروی کار بین گروه های خانوار به این شکل است که ابتدا بر اساس نتایج طرح آمارگیری هزینه-درآمد خانوار که متوسط درآمد دهک های مختلف هزینه (شهری و روستایی) را بر اساس منابع ایجاد درآمد بیان می کند، کل درآمد به دست آمده از حقوق بگیری را (برای بیست دهک شهری و روستایی) که خود شامل درآمد پولی از حقوق بگیری دولتی، درآمد غیر پولی از حقوق بگیری دولتی، درآمد پولی از حقوق بگیری غیردولتی و درآمد غیر پولی از حقوق بگیری غیردولتی می باشد، محاسبه شده است. سپس سهم های محاسبه شده را به ارقام مربوط به جبران خدمات کارکنان موجود در جدول داده - ستانده ۳۷ بخشی اعمال و سهم هر گروه خانوار را از آن درآمدها به دست آمده است. انتخاب این روش برای تخصیص درآمد نیروی کار بین خانوارها به این دلیل می باشد که بر اساس نتایج طرح آمارگیری هزینه-درآمد خانوار، خانوارهای روستایی و شهری دارای منابع درآمدي مشترکي هستند. به این معنا که خانوارهای شهری بخشی از درآمد خود را از فعالیت های کشاورزی به دست می آورند و خانوارهای روستایی نیز دارای منابع درآمدي در بخش غیرکشاورزی هستند، بنابراین به کارگیری این روش در تخصیص درآمد بین گروه های خانواری در مدل باعث افزایش واقع نگری خواهد شد.

ابتدا برای تقسیم کل درآمد سرمایه میان خانوارها، کل درآمد حاصل از مشاغل آزاد شامل درآمد پولی از مشاغل آزاد کشاورزی، درآمد غیر پولی از مشاغل آزاد کشاورزی و درآمد پولی از مشاغل آزاد غیرکشاورزی و درآمد غیر پولی از مشاغل آزاد غیرکشاورزی و نیز درآمدهای متفرقه موجود در نتایج طرح آمارگیری هزینه-درآمد خانوار برای هر بیست دهک هزینه محاسبه شد و در نهایت درآمد سرمایه به نسبت سهم هر گروه خانوار از درآمدهای یاد شده در بالا بین خانوارهای تقسیم و به درآمد نیروی کار اضافه شد.

تخصیص درآمد زمین بین خانوارها بر اساس اعمال سهم هر گروه از خانوارها از درآمدهای آزاد و متفرقه به درآمد نهاده زمین می باشد و از این طریق سهم هر گروه خانوار از درآمد نهاده زمین به دست آمده است.

دولت در قالب طرح های مبالغی را به خانوارهای روستایی پرداخت می کند. برای محاسبه این ارقام ابتدا از سالنامه آماری سال ۱۳۷۰ رقم پرداختی دولت در قالب طرح شهید رجایی به خانوارهای کمبضاعت روستایی به دست آمد. سپس ۳۰ درصد دیگر پرداخت های انتقالی دولت از طریق کمیته امداد، بنیاد شهید و سازمان تامین اجتماعی از همان سالنامه آماری استخراج و به ۴۰٪ پایین خانوارهای روستایی اختصاص داده شد. ۷۰ درصد بقیه کل پرداخت های انتقالی به پایین ترین گروه خانوارهای شهری اختصاص یافت.

بعد از محاسبه منابع درآمدي خانوارها لازم است مقاصد هزینه های آنها نیز توضیح داده شود. خانوارها پرداختی بابت مصرف کالاها و خدمات دارند که به شکل زیر محاسبه شده است.

ابتدا آمار و اطلاعات مربوط به هزینه های مصرفی خانوار از طرح آمارگیری هزینه-درآمد خانوار (سال ۱۳۷۰) بر اساس دهک های هزینه و بر مبنای کدهای پنج رقمی

جمع‌آوری شد. سپس برای ایجاد هماهنگی لازم بین اقلام هزینه در طرح آمارگیری هزینه- درآمد خانوار- که بر اساس طبقه بندی کدهای پنج رقمی است- و کالا و خدمات موجود در جدول داده-ستانده- که بر اساس ویرایش دوم سیستم کدگذاری I.S.IC (کدهای چهاررقمی) است- فرآیند تطبیق دو سیستم طبقه‌بندی انجام شد. پس از انجام تطبیق، کل هزینه صرف شده توسط بیست دهک هزینه بر روی کالاها و خدمات بخشهای تولیدی موجود در SAM محاسبه و سهم هر گروه خانوار از هزینه کل به دست آمد. در مرحله آخر، سهم‌های یاد شده به شیوه بالا به مجموع ارقام هزینه مصرف خصوصی و هزینه مصرفی موسسات غیر انتفاعی در جدول داده -ستانده ۳۷ بخشی، اعمال و سهم هر گروه خانوار از کل هزینه بخش‌های تولیدی مدل به دست آمد. دسته دیگری از پرداخت‌های خانوارها در قالب مالیاتهای مختلف به حساب دولت واریز می‌شود. برای محاسبه این امر، ابتدا ارقام مالیات بر درآمد و مالیات بر ثروت در سال ۱۳۷۰ از سالنامه آماری مرکز آمار ایران استخراج و در مرحله بعد این ارقام به ترتیب به نسبت درآمد حقوق بگیري (درآمد نیروی کار) و درآمد سرمایه هر کدام از خانوارها، بین آنها تقسیم شده است.

حساب دولت نیز دارای دریافتی‌ها و پرداختی‌های است که در ادامه توضیح داده می‌شود. هزینه دولت شامل خرید کالا و خدمات فعالیت‌های تولید- که از جدول ۳۷ بخشی داده- ستانده گرفته شده است- و پرداخت‌های انتقالی به خانوارها از جمله هزینه‌های دیگر دولت است که در قسمت قبل به تفصیل شرح داده شد. رقم پرداختی‌های دولت به شرکت‌ها (صاحبان سرمایه) از بودجه سالانه دولت استخراج شد. میزان پس انداز و سرمایه‌گذاری دولت نیز از بودجه سالانه و حساب‌های ملی به دست آمد. از طرف دیگر درآمد دولت شامل مالیات‌های گوناگون از صنایع مختلف و خانوارها و کمک‌های خارجی می‌باشد. دریافت تعرفه واردات و اعطای یارانه به واردات قسمت دیگری از درآمد و هزینه دولت را تشکیل می‌دهند که آمار آنها از جدول داده -ستانده سال ۱۳۷۰ گرفته شده است.

میزان صادرات هرکدام از بخش‌های تولیدی مندرج در جدول SAM بر اساس تقسیم‌بندی فعالیت‌های تولیدی از جدول ۷۸ بخشی سال ۱۳۷۰ به دست آمده است. میزان واردات هر کدام از بخش‌های تولیدی نیز به همین روش محاسبه و در جدول SAM قرار داده شد.

برای محاسبه دریافتی عوامل تولید از حساب دنیای خارج<sup>۱</sup> (ROW) ابتدا فرض شد که فقط دو نهاد سرمایه و نیروی کار دارای درآمدی از ROW هستند و در ضمن این درآمد با نسبت تقریبی ۳۰ درصد سرمایه و ۷۰ درصد نیروی کار بین دو نهاد تقسیم می‌شود. با توجه به این مطلب، کل درآمد سرمایه به ۲۰ درصد بالای خانوارهای شهری و کل درآمد نیروی کار از خارج نیز به ۴۰ درصد پایین خانوارهای شهری تخصیص داده شد.

دریافت وام خارجی از حساب ROW و نیز دریافت اصل و بهره وام‌های دولت به خارج از کشور تعامل دیگری بین حساب دولت و حساب ROW می‌باشد که از سالنامه

1. Rest of World(ROW).

آماري سال ۱۳۷۰ مرکز آمار ایران گرفته و در محل خود در جدول SAM قرار داده شد. پرداختي دولت به حساب ROW بابت بهره و اصل وام‌هاي دريافتي دولت از خارج نيز به شکل بالا از سالنامه آماري ياد شده گرفته و در محل خود قرار داده شده اند. ميزان سرمايه‌گذاري خارجي در کشور و ميزان انتقال سرمايه به خارج از کشور که بيانگر تعامل حساب تشکيل سرمايه و حساب دنياي خارج مي‌باشد با در نظر گرفتن اصل برابر بودن درآمدها و هزینه‌ها در جدول SAM محاسبه و در محل مربوطه قرار داده شده است.

### ۵. تجزيه و تحليل

در اين قسمت آثار افزایش قیمت ۵۰ درصد قیمت روغن خوراكي، قند و شکر و آرد، نان و فرآورده‌هاي آن شبیه سازي شده اند. افزایش ۵۰ درصد قیمت روغن خوراكي، شاخص قیمت کل اقتصاد را به طور متوسط ۲/۰۸ درصد افزایش مي‌دهد. در اثر اين افزایش، شاخص قیمت بخش صنعت با ۳/۴۳ درصد در بين فعاليت هاي توليدي از بيشتريين افزایش برخوردار است و پس از آن بخش هاي کشاورزي، خدمات و معدن با ۰/۹۱۱، ۰/۷۸۹ و ۰/۷۶۴ درصد قرار دارند. در بين فعاليت هاي توليدي پس از بخش صنعت، زير بخش روغن خوراكي، زيربخش خوراک دام و طیور با بيشتريين افزایش در شاخص قیمت مواجه مي‌شود (۴/۷۵ درصد). علت اين امر استفاده از تفاله دانه‌هاي روغني در تهیه خوراک دام و طیور مي‌باشد.

در اين سناريو، شاخص هزینه زندگي خانوارها ۱/۶۶ درصد افزایش مي‌يابد؛ يعني براي آنکه خانوارها بتوانند سبد هزینه مصرفي موجود را حفظ کنند، بايد درآمد آنها به ميزان ۱/۶۶ درصد افزایش پيدا کند. از طرفي ديگر شاخص هزینه زندگي خانوارهاي روستايي با ۱/۰۶ درصد بيش از افزایش در شاخص هزینه زندگي خانوارهاي شهري (۰/۶۹۷ درصد) مي‌باشد. در بين خانوارهاي روستايي نيز ۲۰ درصد بالاي درآمدي با ۱/۲۶۵ درصد با بيشتريين افزایش در شاخص هزینه زندگي مواجه هستند و پس از آن ۲۰ درصد پايين درآمدي قرار دارند. در بين خانوارهاي شهري نيز با افزایش درآمد تأثیر افزایش قیمت روغن خوراكي بر هزینه زندگي افزایش مي‌يابد.

جدول ۲ نتايج شبیه سازي افزایش ۵۰ درصد قیمت آرد، نان و فرآورده هاي آن را بر اقتصاد ايران به تفکيک فعاليت هاي توليدي، عوامل توليد و خانوارها نشان مي‌دهد. در اثر افزایش قیمت اين کالاها، شاخص قیمت در اقتصاد ۵/۱ درصد افزایش پيدا مي‌کند. در بين بخش هاي چهارگانه اقتصاد، بخش صنعت با ۵/۶۵ درصد از بالاترين افزایش در شاخص قیمت برخوردار بوده است و بعد از آن بخش کشاورزي قرار مي‌گيرد. مطابق اطلاعات ارائه شده در اين جدول افزایش قیمت گروه آرد و نان بر تمام بخش هاي کشور تأثیر گذاشته است و تأثیر آن بيش از افزایش قیمت ساير کالاهاي اساسي مي‌باشد. در اثر اين سناريو شاخص قیمت گروه با ۵۸ درصد بيشتريين افزایش قيمتي را در اقتصاد به خود اختصاص داده است که از اين رقم، ۵۰ درصد مربوط به شوک اوليه مي‌باشد و ۸ درصد در اثر تعاملات بين بخش‌هاي اقتصادي و اجتماعي به وجود مي‌آيد. البته در حالي که هيچ کنترلي بر قیمت آنها وجود

نداشته باشد؛ زیرا در اثر افزایش قیمت يك کالا به دليل ارتباط بين بخش ها و فعاليت هاي توليدي به طور مستقيم قيمت آنها افزايش مي يابد، اما اين اثر نسبتاً كوچك است و اثر غيرمستقيم ديگري وجود دارد كه تاثيرات آن بسيار قويتر از اين اثر مي باشد و به اين صورت به وجود مي آيد كه افزايش شاخص قيمت کالا ابتدا شاخص هزينه زندگي خانوارها را تحت تاثير قرار مي دهد. از آنجا كه خانوارها صاحبان زمين سرمايه و كار (نهاده هاي توليد) هستند در نتيجه با افزايش شاخص هزينه زندگي و کاهش قدرت خريد خانوارها، آنها نيز به دنبال افزايش قيمت اين عوامل مي باشند. از طرف ديگر چون فعاليت هاي توليد مصرف كنندگان نهايي عوامل توليد به شمار مي روند، بنابراين براي بار دوم هزينه آنها افزايش پيدا مي كند. اين دوره همچنان تكرر مي شود، و در نهايت به سمت صفر ميل كند. مجموع اين اثر، وجه اصلي تمايز ماتريس حسابداري اجتماعي و جدول داده - ستانده مي باشد.

همانطوري كه مي دانيم خانوارها در اثر افزايش قيمت نان به شدت با افزايش شاخص هزينه زندگي مواجه مي شوند و شاخص متوسط هزينه زندگي خانوارها حدود ۴/۷ درصد افزايش پيدا مي كند. در بين گروه هاي ششگانه خانوارها ۲۰ درصد بالاي درآمدي روستايي، ۴۰ درصد ميانه روستايي و ۲۰ درصد بالاي درآمدي شهري با بيشتري افزايش در شاخص هزينه زندگي روبرو خواهند بود. ۴۰ درصد پايين شهري با ۳/۳۵۹ درصد كمترين تاثير را از اين سناريو خواهند گرفت.<sup>۱</sup>

قند و شکر يكي ديگر از كالاهاي مشمول يارانه در کشور مي باشد. افزايش ۵۰ درصدی در قيمت اين کالاها به طور متوسط موجب افزايش ۲/۴۸۷ درصد شاخص قيمت ها در اقتصاد مي شود. شاخص متوسط هزينه زندگي خانوارها در اين سناريو ۱/۰۱۳ درصد افزايش نشان مي دهد كه بيانگر کاهش بيش از يك درصدی درآمد آنها مي باشد. تاثير پذيري خانوارهاي روستايي از افزايش قيمت قند و شکر نيز بيش از خانوارهاي شهري است. شايد علت اصلي اين امر، وجود و استفاده از كالاهاي جانئين قند و شکر در نواحی شهري باشد. در بين خانوارهاي روستايي بالاترين افزايش در شاخص هزينه زندگي ۲۰ درصد بالا و ۴۰ درصد ميانه ايجاد مي شود. در بين خانوارهاي شهري نيز ۲۰ درصد بالاي درآمد بيشتري تاثير منفي را از افزايش قيمت خواهند برد.

از آنجا كه اصلاح ساختار قيمت كالاهاي اساسي در مجموعه سياست هاي دولت قرار دارد، بنابراين لازم است آثار افزايش قيمت ها به طور همزمان بررسي شود. بنابراين در اين حالت آثار افزايش كل قيمت كالاهاي اساسي مطالعه شده اند. جدول ۲ آثار افزايش همزمان قيمت كالاهاي اساسي را به ميزان ۵۰ درصد نشان مي دهد. بر اثر اين سياست، متوسط شاخص قيمت در اقتصاد ۹/۶۷۴ درصد افزايش مي يابد و متوسط رشد شاخص قيمت در

۱. مطالعه بانك جهاني نشان مي دهد كه سيستم يارانه هاي در ايران به گونه اي است كه ثروتمندان بيشتري از يارانه ها برخوردار مي شوند. زيرا اول آنكه گروه هاي بالاي درآمدی نسبت به گروه هاي پايين ۳۰ درصد بيشتري نان (به عنوان مهمترين كالا يارانه اي) مصرف مي كنند. دوم، فقرا از كالاهاي كوچني كمتر استفاده مي كنند. سوم، بيشتري كالاهاي يارانه اي كوچني در ناحيه شهري توزيع مي شوند، به طوري كه هزينه سرانه خانوارهاي شهري دو برابر خانوارهاي روستايي است.

بخش های صنعت، کشاورزی، خدمات و معدن به ترتیب ۱۳/۱۸۸ ، ۶/۸۵۴ ، ۶/۱۷۵ و ۵/۹۳۵ درصد می باشد. بنابراین بیشترین افزایش قیمتی در بخش صنعت به وجود می آید. آثار بازخوردی موجب می شود که شاخص قیمت قند و شکر، آرد، نان و فرآورده های آن و روغن های خوراکی به ترتیب ۶۶/۱۳۱ ، ۶۲/۵۵۷ و ۶۰/۲۷۶ درصد افزایش یابند. شاخص هزینه زندگی خانوارها نیز به طور متوسط ۶/۶ درصد بالا می رود. در مجموع افزایش شاخص هزینه زندگی در خانوارهای روستایی بیش از خانوارهای شهری است و ۲۰ درصد بالایی درآمدهای با ۹/۱۷۴ درصد، بیشترین تأثیر منفی را از افزایش همزمان قیمت کالاهای اساسی خواهند برد.

Archive of SID

## جدول ۲. افزایش قیمت روغن خوراکی، آرد و نان و قند و شکر به میزان ۵۰ درصد

شرح	روغن خوراکی	آرد و نان	قند و شکر	افزایش همزمان
محصولات باغی و گل	۰/۷۹۸	۴/۴۳۳	۰/۸۵۰	۶/۱۸۱
محصولات زراعی	۰/۷۷۰	۴/۲۸۶	۰/۸۱۵	۵/۹۷۲
محصولات دامی (خام یا شکار)	۱/۱۴۲	۵/۵۹۳	۱/۵۶۱	۸/۲۹۵
جنگل مرغ و چوبهای جنگلی و محصولات آن	۰/۸۰۷	۴/۶۵۲	۰/۸۵۷	۶/۴۹۶
ماهی و سایر حیوانات آبی	۱/۰۳۹	۵/۳۲۹	۰/۹۹۴	۷/۳۶۲
نفت خام و گاز طبیعی	۰/۸۱۶	۴/۵۶۶	۰/۹۶۷	۶/۳۴۹
سایر مواد معدنی	۰/۷۱۱	۳/۹۵۲	۰/۸۵۷	۵/۵۲۰
گوشت و محصولات حاصل از کشتار	۱/۲۶۹	۵/۴۷۴	۱/۴۹۵	۸/۲۳۷
محصولات لبنی	۱/۱۲۲	۴/۹۱۰	۱/۵۴۴	۷/۵۵۶
کسرو میوه و سبزیجات	۱/۸۳۱	۴/۲۰۹	۱/۰۵۱	۱۶/۵۴۱
کسرو ماهی و سایر حیوانات دریایی	۱/۰۵۲	۴/۴۸۸	۱/۰۵۳	۶/۵۹۳
روغن های خوراکی	۵۶/۶۳۳	۳/۰۱۱	۰/۶۴۲	۶۰/۲۷۶
قند و شکر	۰/۷۶۱	۴/۰۱۶	۶۱/۳۹۴	۶۶/۱۳۱
نان ، آرد غلات و محصولات آن	۱/۳۹۲	۵۸/۰۷۹	۳/۰۸۶	۶۲/۵۵۷
خوراک دام و طیور	۴/۷۵۵	۵/۹۲۳	۲/۹۶۰	۱۳/۶۳۸
توتون و تنباکو سیگار	۰/۳۶۶	۲/۰۵۴	۰/۴۳۵	۲/۸۵۵
منسوجات و پوشاک	۰/۵۸۴	۳/۱۵۸	۰/۷۲۶	۴/۴۶۸
قالی و قالیچه	۰/۷۶۸	۴/۲۰۵	۰/۹۰۱	۵/۸۷۳
چرم و محصولات چرمی	۰/۶۰۸	۳/۰۴۵	۰/۶۸۹	۴/۳۴۲
کاغذ و چوب و محصولات آن	۰/۵۶۲	۳/۲۳۷	۰/۷۱۵	۴/۵۴۳
مواد شیمیایی صنعتی و دارو	۰/۶۵۵	۱/۱۵۴	۰/۲۵۸	۲/۰۶۷
کود شیمیایی و سموم دفع آفات	۰/۴۰۳	۲/۱۱۵	۰/۴۷۹	۲/۹۹۷
فرآورده های نفتی و محصولات جزی آن	۰/۴۰۹	۲/۲۵۴	۰/۴۸۴	۳/۱۴۷
محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۰/۴۷۰	۲/۱۲۰	۰/۴۷۱	۳/۰۶۲
مصالح ساختمانی غیر فلزی	۰/۶۸۶	۳/۸۲۵	۰/۸۶۷	۵/۳۳۸
شیشه و محصولات شیشه ای و ظروف چینی	۰/۵۶۷	۳/۱۳۶	۰/۷۳۸	۴/۴۴۰
صنایع فلزی مادر	۰/۳۰۱	۱/۶۸۲	۰/۳۶۲	۲/۳۴۴
محصولات فلزی ساخته شده ماشین آلات و ...	۰/۲۴۶	۱/۳۵۵	۰/۳۰۱	۱/۹۰۳
ماشین آلات و ادوات کشاورزی	۰/۱۵۴	۰/۸۵۱	۰/۸۸۸	۱/۱۹۳
برق	۰/۸۸۳	۴/۹۱۱	۱/۰۵۳	۶/۸۴۷
آب	۰/۸۸۳	۴/۹۱۱	۱/۰۵۳	۶/۸۴۷
گاز طبیعی	۰/۸۸۳	۴/۹۱۱	۱/۰۵۳	۶/۸۴۶
صنعت ساختمان	۰/۶۳۱	۳/۵۵۳	۰/۷۸۷	۴/۹۷۲
خدمات خصوصی ۱	۰/۷۸۲	۴/۴۱۵	۰/۹۵۴	۶/۱۵۱
خدمات عمومی	۰/۸۱۶	۴/۵۶۲	۱/۰۵۹	۶/۴۳۸
خدمات بیمه و بانک	۰/۷۰۳	۳/۵۵۶	۱/۰۰۵	۵/۶۶۴
سایر خدمات خصوصی (خدمات متخصص)	۰/۷۳۱	۴/۰۳۸	۰/۸۶۵	۵/۶۳۳
کار	۰/۸۰۴	۴/۵۲۷	۰/۹۴۹	۶/۲۸۰
سرمایه	۰/۸۷۵	۴/۸۲۹	۱/۰۳۳	۶/۷۳۸
زمین	۰/۸۷۵	۴/۸۲۹	۱/۰۳۳	۶/۷۳۸
۴۰/آبایی روستایی	۰/۹۹۷	۳/۸۹۶	۰/۹۶۳	۵/۸۵۷
۴۰/آبیانه - روستایی	۰/۹۲۶	۵/۵۹۹	۱/۱۰۹	۷/۶۳۴
۴۰/آبیایی - روستایی	۱/۲۶۵	۶/۳۳۳	۱/۵۱۶	۹/۱۷۴
۴۰/آبایی شهری	۰/۵۳۶	۳/۳۵۹	۰/۵۹۲	۴/۴۸۷
۴۰/آبیانه - شهری	۰/۶۲۵	۳/۸۱۵	۰/۸۱۴	۵/۲۳۴
۴۰/آبیایی - شهری	۰/۹۳۱	۵/۱۰۸	۱/۰۸۵	۷/۱۲۴
میانگین کل تغییرات قیمت	۲/۰۸۲	۵/۱۰۴	۲/۴۸۷	۹/۶۷۴

برگرفته از: محاسبات تحقیق.

## ۶. نتیجه گیری

مطالعات فراوانی درباره یارانه و تأثیر آن بر اقتصاد و رفاه خانوارها انجام شده است. اما مهمترین ویژگی این کارها، استفاده از الگوهای اقتصادسنجی در برآورد آثار کاهش یارانهها یا افزایش قیمت ها می باشد. در این نوع الگوها به دلیل آنکه فقط اثرات مستقیم کاهش یارانهها بررسی می شوند، و از آثار غیرمستقیم چشمپوشی می کنند، بنابراین نمی توان به نتایج آنها اطمینان کرد؛ زیرا یکپارچگی اقتصادی موجب می شود که تغییرات قیمت موجی در اقتصاد ایجاد کند که حتی قیمت و مقدار را در بازارهای اولیه نیز تحت تأثیر قرار دهد. از این رو تحلیل هایی که چندین بازار را در بر می گیرند نتایج آنها از اطمینان بیشتری در امر برنامه ریزی و سیاستگذاری برخوردار هستند. بر این اساس در این مطالعه از ماتریس حسابداری اجتماعی در شکل قیمتی آن برای بررسی آثار افزایش قیمت سه کالای اساسی استفاده شده است. اما با وجود مزایای این روش و در نظر گرفتن چندین بازار، قدیمی بودن نسبی جدول داده - ستانده به دلیل فقدان جدول های به روز از محدودیت های این روش می باشد.

نتایج نشان دادند که تأثیر افزایش ۵۰ درصد در قیمت گروه آرد و نان به تورم موجود بیش از ۵ درصد اضافه می کند. علت اساسی این امر پایین بودن قیمت آرد (در سال ۱۳۸۳ قیمت تمام شده هر کیلو آرد ۲۴۰۰ ریال بوده است، در حالیکه قیمت فروش آن برای مصارف نان ۷۵ ریال (۹۰ درصد کل مصرف آرد با این قیمت می باشد) و برای سایر مصارف ۴۵۰ ریال بوده است) و مصرف گسترده آرد در دیگر صنایع غذایی می باشد.

بررسی سناریوهای مورد مطالعه و به ویژه افزایش ۵۰ درصد همزمان قیمت آرد و فرآورده های آن، قند و شکر و روغن های خوراکی بیانگر این واقعیت بوده اند که نرخ تورم یا میانگین قیمت ها در اقتصاد کمتر از ده درصد افزایش پیدا می کند. از سوی دیگر با توجه به اینکه شکاف بالایی بین قیمت تمام شده و قیمت مصرفی آرد وجود دارد (بیش از ۷۰ درصد یارانه مصرفی (۱۴۰۴۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۳) به آرد اختصاص دارد) و همچنین مصرف بالایی آرد در صنایع غذایی، تعدیل قیمت های آن تورم شدیدی را در جامعه ایجاد می کند. این امر کاهش زمانبندی یارانه و هدفمندی همزمان آن را ضروری می سازد. بنابراین برای جلوگیری از فشار تورمی شدید افزایش قیمت آرد، باید با یک برنامه زمانبندی ۵ ساله درصدد کاهش یارانهها (افزایش قیمت این کالاها) همراه با هدفمندی باشیم. مهمترین مشکلی که در این زمینه به وجود می آید آثار روانی افزایش قیمتها است که در این زمینه باید با استفاده از تجربه موفق کشورهای نظیر مصر که در آگاه کردن مردم نسبت به سودها و زیان های کاهش یارانهها و هدفمندی آنها با موفقیت عمل کردند، نسبت به اطلاع رسانی صحیح به جامعه اقدام کرد. بنابراین دولت موظف است با ارائه پیش آگهی به مردم، آثار روانی آن را به حداقل برساند.

## فهرست منابع

۱. بانوئی و همکاران (۱۳۸۱) بررسی آثار و تبعات یکسان سازی نرخ ارز در بازارهای مختلف اقتصاد ایران با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی؛ مرکز پژوهش های مجلس.
۲. حسن پور، ابراهیم (۱۳۷۸). ارزیابی اقتصادی سیاست غذایی ارزان در ایران؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، گروه اقتصادکشاورزی دانشگاه تهران.
۳. طباطبائی زواره، حمیدرضا (۱۳۷۰) بررسی آثار اقتصادی تداوم یا حذف سوبسید با استفاده از یک مدل دینامیک؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
4. Laraki, Karim (1986). Food Subsidies: A Case Study of Price Reform in Morocco. Living Standard Measurement Study Working Paper NO:50
5. Townsend, R.F.; McDonald, S Biased Policies, Agriculture and Income Distribution in South Africa: A Social Accounting Matrix Approach. . ESRC Development Economics Study Group . esrc-desg.

Archive of SID